

وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِّلْتُمْ لَا إِلٰهٌ تُحْشِرُونَ ﴿١٥٨﴾ فِيمَا رَحْمَةٌ
 مِنَ اللّٰهِ لِنَتَ لَهُمْ وَلَوْكُنْتَ فَظًا غَلِظًا عَلَيْهِ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ
 حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا
 عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرُكُمْ
 اللّٰهُ فَلَا غَالِبٌ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ
 مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلِيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ
 أَنْ يَغْلِي وَمَنْ يَغْلِي يَأْتِ بِمَا يَغْلِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّ كُلُّ
 نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ
 اللّٰهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخْطٍ مِنَ اللّٰهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
 هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٢﴾
 لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ
 أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٣﴾
 أَوْ لَمَّا أَصَابَتُمْ مُصِيبَةً قَدْ أَصَبَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَنِّي هَذَا
 قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٤﴾

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقْيَى الْجَمِيعَنِ فَإِذَا نِعْمَةُ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنُينَ
 وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَذُنَا كُمْ هُمْ لِلْكُفَّارِ
 يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي
 قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ٦٦ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْرَاجِهِمْ
 وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا ٦٧ قُلْ فَادْرِءُوهُمْ عَنْ أَنْفُسِكُمْ
 الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَدِيقِينَ ٦٨ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاهُمْ رَبِّهِمْ يُرَزَّقُونَ ٦٩ فَرِحَيْنَ
 بِمَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبِشُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا
 بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
٧٠ يَسْتَبِشُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
 أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ٧١ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا
 أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرًا عَظِيمًا
 الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشُوْهُمْ
 فَزَادَهُمْ إِيمَانًا ٧٣ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

اعْتَادَ بِرَاوِ

اللَّهُ إِنَّمَا يُحِبُّ الْمُعْصِيْنَ

آیا خدا برای بنده اش کافی نیست؟!

۳۶ زُمر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است باردیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان‌گونه که خدا از ما خواسته است، بیسمایم. در این درس، با یکی از عواملی که سبب تقویت اراده و عزم می‌شود آشنا می‌شویم.

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه کارها به اوست. انسان متوكل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، آموزش را به او واگذار می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

آن کس که در راه حق به خدا توکل کند،

خداوند او را بس است،

خداوند امر خویش را به سرانجام می‌رساند.

طلاق، ۳

وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

فَهُوَ حَسِيبُهُ

إِنَّ اللَّهَ بِالْعُلُّ أَمْرِهِ

انسان متوكل می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا خداوند آینده‌ای را می‌بیند که مانع بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌پنداریم درحالی که به ضرر ماست یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم درحالی که به نفع ماست.

وَ عَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

وَ عَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ

بقره، ۲۱۶

در این موقع است که خدایی که از هر کس به بندگانش مهریان‌تر است، آن چیزی را برای انسان متوكل رقم می‌زند که خیر و صلاح او در آن باشد.

امام علی علیهم السلام در یکی از دعاها خویش می‌گوید :

«خداوندا تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی». ایشان در ادامه می‌فرماید :

«راز‌هایشان تزد تو آشکار و دل‌هایشان در حسرت دیدار تو داغدار. اگر تنها‌یی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سرشته کارها به دست توست!».

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۸

با توجه به آیه زیر بگویید چرا بر غیر خدا نمی‌توان توکل کرد؟

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ أَرَادَنِي اللَّهُ بِضُرِّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةِ، هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ، قُلْ حَسِبَيِ اللَّهُ، عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

«بگو چه می‌گویید درباره آنچه جز خدا می‌خوانید؟ اگر خدا خواهد که به من زیانی رسد، آیا آنان دور کننده گرند او هستند؟ یا اگر رحمتی برای من خواهد، آیا آنان بازدارنده رحمت او هستند؟ بگو خدا برای من کافی است و توکل کنندگان بر او توکل می‌کنند».^۱

شرایط توکل حقیقی

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه‌گاه خود بیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به داود علیه السلام وحی کرد هر بندهای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری بانیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره‌جویی می‌کنم، گرچه همه آسمان‌ها و زمین و هرچه در آنها است، علیه او برجیزند.

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با ازم و اراده محکم برای رسیدن به مقصد تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

روزی، پیامبر اکرم ﷺ به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود: **شما چگونه مردمی هستید؟**

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

۱- سوره زمر، ۳۸

ایشان فرمود: نه، بلکه شما سریار دیگران هستید.^۱

تھمیں و تو گل

نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم‌های بزرگ است. هرچه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌باید. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیاگیری بسته نشده است؛ مانند برخی بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته باشد یا در حسابات نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیاگیری فرو رفتن. از این‌رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد پر خداوند حس می‌شود.

فعالیت کلاسی

- ۱- برخی می‌گویند دوره نوجوانی و جوانی دوره خطر (ریسک) کردن است. چه تفاوتی میان «خطر کردن» و «تولک بر خدا» وجود دارد؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
 - ۲- آیا توکل، سبب تبلی می‌شود یا تحرک؟ چرا؟
 - ۳- شرایط توکل حقيقی کدام‌اند؟

١- مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٢١٧.

۲- مشنوی مولوی

- ۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصه نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطه توکل و تلاش را به خوبی به تصویر می کشد و در ضمن آن می گوید :
- گفت پیغمبر به آواز بلند
با توکل زانوی اشتر بیند
این داستان را مطالعه کنید و آن را برای دوستان در کلاس بیان کنید.
- ۲- آیا می دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی شود؟ آیه ۹۹ سوره نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.



إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ الْيَلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْفُلَكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَاحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَ فِيهَا
 مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَأَيْتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٣﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّهُمْ كَحْبُ اللَّهِ وَالَّذِينَ
 ظَاهَرَ عَلَيْهِمْ أَشَدُّ حُبًا لِلَّهِ وَلَوْرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ
 العَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ العَذَابِ ﴿١٦٤﴾
 إِذْ تَبَرَّا الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأُوا العَذَابَ
 وَتَقْطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْا نَّا
 كَرَّةً فَنَتَبَرَّا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيْهُمُ اللَّهُ
 أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٦﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٧﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ
 بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٨﴾

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَّبِعُوا مَا آنَزَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَفَيْنَا
 عَلَيْهِ أَبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ أَبَاءُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً
 وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٥﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعَقُّ^١ مَا
 لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكُّمْ عُمُّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
 وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٦﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ
 عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ
 اللَّهِ فَمَنِ اضطُرَّ غَيْرَ باغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٧٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا آنَزَ اللَّهُ مِنَ
 الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ
 فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 وَلَا يُزَكِّيُّهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ
 اشْتَرَوُ الْضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا
 أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٩﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٨٠﴾

دوستی با خدا

بارالها! خوب می‌دانم هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن
کس با تو انس گیرد، لحظه‌ای از تو روی گردان نشود،
بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان!
دوست داشتن را از خودت خواهانم^۱.

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده‌اند؟
چگونه می‌توان دل را به این آدین آراست؟

۱- برگرفته از دعای مناجات المحبین امام سجاد علیهم السلام

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد ریشه در دلبستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می‌دهد. کسی که شیفتۀ مد است، دل‌مشغولي شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می‌دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه‌وی می‌سازد.

چقدر می‌ارزیم؟!

عده‌ای از اندیشمندان برتر دنیا در یکی از کشورهای اروپایی جمع شده بودند تا درباره موضوع «معیار ارزش واقعی انسان» بحث و تبادل نظر کنند.

دلیل انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن است؛ معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ اما معیار ارزش انسان چیست؟!

هر کدام از جامعه‌شناسان در این باره حرف‌هایی زندن و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفت و گفت: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است، در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشین است، ارزشش به همان میزان است، اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازه خداست. با تمام شدن حرفم تمامی جامعه‌شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علیّل است. ایشان می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.

وقتی این کلام را گفتم دویاره به نشانه احترام به شخصیت حضرت علی علیّل از جا بلند شدند و با تعجب نام ایشان را بر زیان جاری می‌کردند.^۲

تا در طلب گوهر کانی، کانی

این نکته رمز اگر بدانی، دانی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۸۱

۲- خاطره‌ای از علامه محمد تقی جعفری

۳- مولوی، دیوان شمس، رباعیات



پیامبر اکرم ﷺ : هر کس در روز قیامت با محبوب خود محسور می‌شود.^۱
 با توجه به حدیث بالا بگویید چرا در روز قیامت انسان با همان‌هایی که در دنیا
 آنها را محبوب خود قرار داده است، همراه و هم‌نشین می‌شود و به سرانجام همان‌ها
 دچار خواهد شد؟

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمۀ کمالات و زیبایی‌ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می‌یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می‌شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می‌بخشد. محبت الهی تبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را صبور و شکیبا می‌کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی را به وی عطا می‌کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خدادست و جز با خدا آرام و قرار نمی‌یابد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: قلب انسان حرم خدادست؛ در حرم خدا غیر خدا را جاندید.^۲
 از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می‌داند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا وَ بَعْضُهُ از مردم همتایانی را به جای

خدا می‌گیرند

آنان را دوست می‌دارند مانند دوستی
خدا

اما کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا
محبت بیشتری دارند.

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُ حُبًّا لِّلَّهِ

عاشقانه‌ای با خدا

من عشق را آموخته بودم؛ اما به چه چیز عشق ورزیدن را نه؛ به دنیا عشق ورزیدم، به مال و منال عشق ورزیدم، به مدرسه عشق ورزیدم، به دانشگاه عشق ورزیدم. اما همه اینها بعد از مدت کمی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد؛ یعنی عشق به تو. فهمیدم عشق به تو پایدار است و دیگر عشق‌ها، عشق‌های دروغین است... پس به عشق تو دل بستم.

بعد از چندی که به تو عشق ورزیدم به یکباره به خود آمدم. دیدم که من کوچک‌تر از آنم که عاشق تو شوم و تو بزرگ‌تر از آنی که معشوق من قرار بگیری. فهمیدم در این مدت که فکر می‌کردم عاشق تو هستم اشتباه می‌کرم. این تو بودی که عاشق من بودی و مرا [به‌سوی خود] می‌کشاندی. اگر من عاشق تو بودم، باید یکسره به دنبال تو می‌آمدم. ولیکن وقتی توجه می‌کنم می‌بینم گاهی اوقات در دام شیطان افتاده‌ام؛ ولی باز به راه مستقیم آمده‌ام. حال می‌فهمم این تو بودی که عاشق بندهات بودی و هرگاه او صید شیطان می‌شد، تو دام شیطان را پاره کردی. هر شب به انتظار او [بندهات] می‌نشستی تا بلکه یک شب او را ببینی. حالا می‌فهمم که تو عاشق صادق بندهات هستی.

بخش‌هایی از دست نویته‌های شهید ناصرالدین باغانی که در ۱۹ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

راه‌های افزایش محبت به خدا

شاید می‌پرسید با انجام چه کارهایی می‌توانیم محبت خدا را در دل خود بیشتر کنیم؟ برخی از این کارها عبارت‌اند از :

۱- پیروی از خداوند : به میزانی که انسان به دستورات کسی احترام بگذارد و فرمان‌های او را انجام دهد، محبت و دل‌بستگی به او را در وجود خود بیشتر می‌کند؛ به خصوص وقتی که این دستورها از جانب خدا باشد که بهترین و مفیدترین راهنمایی‌ها را به انسان کرده است. برخی می‌گویند : اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خدا اعلام

می کند :

بگو اگر خدا را دوست دارید
از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد
و گناهاتنان را بخشد.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
فَاتَّبِعُونِي يُحِبِّكُمُ اللَّهُ
وَيَعْفُر لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

آل عمران، ۳۱

امام صادق علیه السلام فرمودند :

ما أَحَبُّ اللَّهَ مِنْ عَصَاهُ؛ كَسِيْ كَهْ ازْ فَرْمَانْ خَدَا سَرِيْچِيْ مِيْ كَنْد، او رَا دَوْسَتْ نَدَارَد.^۱
خداوند در خواسته‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می‌دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می‌کند. حتی اگر احساس کنیم برخی خواسته‌های خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

فعالیت کلاسی

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم، تلاش می‌کنیم هر آنچه را او دوست دارد انجام دهیم تا علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم. با توجه به احادیث زیر بگویید برای اینکه رابطه دوستی خود را با خدا بیشتر کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.^۲

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفّتی را که پاکدامنی می‌ورزد، دوست دارد.^۳

خداوند، رسیدگی به دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد.^۴

خداوند، کسی که جوانی اش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.^۵

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.^۶

۱- امالی، شیخ صدق، ص ۱۱۲
۲- کافی، ج ۲، ص ۴۲۵
۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴۰

۴- نهج الفضاحة، حدیث ۸۰۰
۵- کافی، ج ۲، ص ۱۱۲
۶- کافی، ج ۶، ص ۴۴۰

۷- امالی، شیخ صدق، ص ۳۶۹
۸- نهج الفضاحة، حدیث ۷۵۶

۲— دوستی با دوستان خدا : اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون‌تر می‌شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان علیهم السلام می‌باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است.

۳— بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان : عاشق روشنایی، از تاریکی می‌گریزد و آنکس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هرچه ضد خداست، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است. عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده‌اند. همه پیامبران، از حضرت نوح علیهم السلام و حضرت ابراهیم علیهم السلام تا پیامبر اسلام علیهم السلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذاراند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اماً زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این‌رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیاگی خود، حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

درنتیجه، دینداری، با دوستی خدا آغاز می‌شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می‌آورد. اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. جمله «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است؛ «نه» به هرچه غیرخدابی است و «آری» به خدای یگانه.^۱

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبزی (بیزاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق‌تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی (ره) بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این گونه سفارش می‌کنند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بعض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».^۲

۱— سپری در نهج البلاغه، شهید مطهری، ص ۲۸۵

۲— پیام امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) به مناسبت حج ۱۴۰۷ ه.ق (۱۳۶۶ ش)

با بررسی دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزان به حقوق انسان‌ها را معرفی کنید و سپس راههای مؤثر برای مقابله با آنان را که همه ستمدیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

ورود بیگانگان ممنوع!

برخی وقتی به زیبایی دوستی با خدا پی‌می‌برند، آرزوی راه یافتن محبت او به قلب خود را دارند؛ اما در رسیدن به این خواسته با یک مشکل مواجه می‌شوند و آن اینکه محبت کسانی را به دل راه داده‌اند که خدای مهربان از آن راضی نیست و آن را به صلاح انسان نمی‌داند؛ حال می‌پرسند چگونه می‌توانیم محبت آنها را از دل خارج کنیم؟

برای بیرون راندن این محبت‌ها از دل، توجه به منشأ شکل‌گیری آنها ضروری است. با توجه به روایات، منشأ اصلی گرفتار شدن به این گونه محبت‌ها، غفلت از خدا و یاد اوست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت درباره عشق‌های باطل پرسید. ایشان فرمود: دل‌هایی که از یاد خدا خالی شده باشد، خداوند محبت غیر خودش را به این دل‌ها می‌چشاند.^۱

بنابراین، گام اول برای بیرون کردن محبت غیر خدا، رو آوردن به یاد و ذکر خداست. انجام واجباتی مانند نماز و روزه، حضور در مکان‌های مقدسی همچون مسجد و زیارتگاه‌ها، توجه به خواندن قرآن و نیز دعاها یی همچون دعای کمیل، دعای ابو حمزه ثمالي، دعاهاي صحيفه سجادیه، حضور در مجالس و مراسم دینی مانند اعتکاف، مجالس توسل به اهل بیت و مطالعه زندگانی

۱- شیخ صدق، علل الشرایع، ص ۱۴۰

انسان‌هایی که عشق به خدا را در دل پرورانده‌اند (همچون کتاب‌های زندگانی شهدا) به تقویت یاد خدا کمک فراوانی می‌کند.

دومین گام، مبارزه با تخیلات باطل است؛ چرا که یکی از اصلی‌ترین راه‌های زیاد شدن عشق‌های باطل، غرق شدن در تخیلات است. پس هر چیزی که یادآور خاطرات این عشق است، باید از خود دور کرد. هدیه، نامه، پیامک، ایمیل، عکس و... نمونه‌هایی از این دسته‌اند که باید آنها را از بین برد.

سومین گام، افزایش روابط محبت‌آمیز با خانواده است. بسیاری از افرادی که گرفتار عشق‌های کاذب می‌شوند، با اعضای خانواده خود چنین ارتباط محبت‌آمیزی ندارند. در دین اسلام توصیه زیادی به محبت کردن به اعضای خانواده شده است. هر چه ارتباط و محبت ما نسبت به پدر و مادر و یا خواهر و برادر زیاد شود، انسان احساس نیاز کمتری به محبت‌های نامشروع پیدا می‌کند.

چهارمین گام، قطع ارتباط با طرف مقابل است. البته این قطع ارتباط اگر همراه با توجه به سه گام قبلی نباشد، تأثیری نخواهد داشت.

پس از انجام این مراحل، انسان احساس می‌کند قلبش بیش از گذشته از عشق به خدا لبریز شده و آرامشی الهی سراسر زندگی او را در بر گرفته است.

نظر بر غیر ما مفکن چو قصد روی ما داری
من آن شمعم که در مجلس مرا پروانه بسیارند
بسوزان خویش را چون او اگر خودبوی مادری
ز معشووقان هرجایی تو را چون کار بگشاید
حرامت باد اگر رغبت به غیر سوی ما داری
مسلم آن زمان باشد تو را لاف سرافرازی
که در میدان جانبازان سرت را گوی ما داری
درون باطن خود را به نور ما منور کن
اگرچه ظاهر خود را به جست‌وجوی ما داری

- ۱- برای تقویت دوستی خود با خداوند، از چه راههایی می‌توان کمک گرفت؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی‌ها صادق هستیم؟

پیشنهاد

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان علیهم السلام و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از اشتیاق آنها به حق و مبارزه‌شان با رشتی و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی - رحمة الله عليه - که از پیروان راستین پیامبر اکرم علیهم السلام بود، زندگی خود را در مبارزه با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟



لَيْسَ الْبَرُّ أَنْ تُولِّوْا وُجوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
 وَلِكِنَّ الْبَرَّ مَنْ عَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ
 وَالثَّنَيْنِ وَعَاتَ الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى
 وَالْمَسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقامَ
 الصَّلَاةَ وَعَاتَ الزَّكَاةَ وَالْمَوْفُوتَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
 وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ
 صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ عَامَنُوا كُتُبَ
 عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرُّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى
 بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعُوا مَا عُرِفَ وَأَدَأَ
 إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى
 بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمُ الْقِصاصُ حَيْثُ
 يَأْوِي الْأَلْبَابُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ ﴿١٧٩﴾ كُتُبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ
 أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا وَصِيَّةً لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبَيْنِ
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ
 فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ أَرَبَّ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلَيْهِ ﴿١٨١﴾

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسِّعٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَاصْلَحْ بَيْتَهُمْ فَلَا إِثْمٌ
 عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨١﴾ يَا يَاهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ
 عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ ﴿١٨٢﴾ أَيَّامًا مَعَدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ
 مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخْرَى وَعَلَى الَّذِينَ
 يُطِيقُونَهُ فِدِيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينٌ فَمَنْ تَطَوعَ خَيْرًا فَهُوَ
 خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِلنَّاسِ
 وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
 فَلِيَصُمُّهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ
 أَيَّامٍ أُخْرَى يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ
 الْعُسْرَ وَلِتُكِمُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا
 هَدَنَكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٣﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ
 عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعَوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
 فَلَيَسْتَجِيبُوا لِي وَلَيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْسُدُونَ

یاری از نماز و روزه

نماز، ستون خیمهٔ دین و نشانهٔ وفاداری ما به عهد خویش با خداست. جامعهٔ اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می‌شود؛ در جامعه و خانواده‌ای که نماز راه نیافته، گویا اسلام وارد نشده است. در کنار نماز، روزه قرار دارد. جوامع اسلامی در سراسر جهان با آمدن ماه رمضان حال و هوای معنوی پیدا می‌کنند و رفتار مردمش عوض می‌شود.

در سال‌های قبل با برخی از احکام این دو عبادت آشنا شدیم؛ اما با توجه به اهمیت و جایگاه این دو واجب دینی در برنامه زندگی فرد مسلمان، ابعاد دیگری از این دو عبادت را طرح می‌کنیم و به پاسخ سوال‌های زیر می‌پردازیم :

- ۱- چرا در هر روز، پنج بار به نماز می‌ایستیم؟
- ۲- حکمت روزه چیست؟ چرا یک فرد مسلمان باید روزه بگیرد؟
- ۳- احکام دیگر روزه کدام‌اند؟

خدای مهریان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان می‌تواند در مسیر عبودیت خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد. اگرچه تمامی این احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است؛ اما انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیشتر دستورات الهی را انجام دهد. از این‌رو، خدای متعال برخی از فایده‌های مهم‌ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع ما رسانده است.

در این آیات، خداوند مهم‌ترین فایده‌های نماز و روزه را متذکر می‌شود. دو فایده نماز عبارت‌انداز: ۱- یاد خدا، ۲- دوری از گناه.

مهم‌ترین فایده روزه نیز عبارت است از : تقوا.

در این درس به فایده دوم نماز که با فایده روزه؛ یعنی تقوا ارتباط دارد، می پردازیم و این دو را با هم بررسی می کنیم.

راستی تقوا چیست؟ چرا قرآن کریم همواره مردم را دعوت به تقوا می‌کند؟

١٢٥

برای اینکه حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا مثالی را که امیر مؤمنان علی علیہ السلام بیان فرموده است، ذکر می‌کنیم. ایشان می‌فرماید: «مَثَلُ انسانِ هَادِيٍّ بِتَقْوَىٰ مَثَلُ سوارِ كَارَانِيٍّ اسْتَ» که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته‌اند؛ به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند. اما مَثَلُ آدمِ هَادِيٍّ بِتَقْوَىٰ، مَثَلُ سوارِ كَارَانِيٍّ اسْتَ که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می‌پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند».^۱

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می‌رسد و دیگری به رستگاری، در چموشی و سرکشی و لجام‌گسیختگی اسب یکی از آنها، و راهوار و مطیع بودن اسب دیگری است. این لجام‌گسیختگی و سرکشی در انسان بی‌تقوی و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقویا به چه معناست؟

«تقوا» به معنای «حفظت» و «نگهداری» است. انسان با تقوا خودنگهدار است و خود را

١- نهج البلاغه، خطبه

از گناه حفاظت می‌کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد. انسان باتقوا، می‌کوشد روزبه روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در موقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

قرآن کریم راه‌های متعددی برای کسب تقوا به ما تساند داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره می‌کنیم.

نماز و بازدارنده‌گی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به‌پا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می‌کند و حضور او را در جای جای زندگی احساس می‌کند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری تزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ

می‌دارد

وَ قَطْعًا يَادِ خَدَا بِالاَتِرَاسِ،

وَ خَدَا مِيْ دَانَدْ چَه می‌کنید.

وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ

وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

عنکبوت، ۴۵

با این حال، برخی می‌گویند: «ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از رشتی‌ها و منکرات است؟»

شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. چنان‌که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می‌شود، طبیعاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آنها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی‌توان انتظار داشت خواندن چند رکعت

نماز شتابزده و بدون رعایت آداب، تأثیر چندانی در ما داشته باشد. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را خواهیم دید.

هر کدام از ما می‌توانیم این مورد را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم و دریابیم افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی‌خوانند، یا نماز خود را شتابزده و بدون رعایت آداب می‌خوانند، از منکرات بیشتری دوری می‌کنند.

اگر به زندانیان و خلافکاران جامعه نگاه کنیم، می‌بینیم که چنین مجرمانی کمتر از میان افراد نمازخوان هستند. همین موضوع نشان می‌دهد که نماز تأثیر خود را گذاشته و هرقدر با توجه و دقت بیشتر انجام شود، تأثیر آن بیشتر هم خواهد شد.

اگر نماز را کوچک نشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. از این رو:

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت بالباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد.

اگر شرط غصی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، به آنچه در مقابل خداوند قرار دارد، توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «إِهِدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافي دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غَيْرُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را با توجه بگوییم، خود را در زمرة کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برابر چه گناهانی حفظ خواهد کرد؟

منکرات	عبارات و اعمال نماز
.....۱	۱- خواندن سورهٔ توحید
.....۲	۲- درود بر پیامبر در شهادت
.....۳	۳- دعای قنوت
.....۴	۴- حضور در نماز جماعت
.....۵	۵- گفتن عبارت «ایاکَ نَعُوذُ»
.....۶	۶- گفتن عبارت «ایاکَ نَسْتَعِذُنَّ»

مگر خدا به نماز ما نیاز دارد؟ پس برای چه باید نماز بخوانیم؟

خدا به نماز ما هیچ نیازی ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به نماز محتاجیم. در حقیقت دستور خدا برای برپاداشتن نماز تنها به نفع خود ماست و خداوند با امر به نماز خواندن خواهان رشد بندگان خود است. اما چرا ما به نماز محتاجیم؟

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همهٔ پیکرش، کتیف نشود و به تنظیف روزانه آنها نیازمند نگردد.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی هاست؛ آلودگی به شهوت‌ها، هوس‌ها، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها، حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر.

این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از راه راست زندگی، راه عبودیت و بندگی خدا منحرف می‌سازد و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شویم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست و شو دهیم و پاکیزه کنیم؛ خود را به خدا، سرچشمهٔ پاکی و کمال، نزدیک سازیم و روح آلوده را در چشمeh صاف و زلال الهی شست و شو دهیم.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه می فرماید: رسول خدا نماز را به چشم آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شب آن روز، پنج مرتبه خود را در آن شست و شو دهد؛ پس هرگز آلو دگی در بدن او باقی نمی ماند.

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می برند:

توجه کنیم که برخی کارها نیز خاصیت نماز را از بین می برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

۱- نراحت کردن پدر و مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزنده که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند – هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند – نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست». ^۱

۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را بیخشد». ^۲

از این رو است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است». ^{۳ و ۴}

نتیجه اینکه: اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جست و جو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.

دو رکعت عشق

ایام عملیات قدس بود که در اورژانس، رزمnde‌ای را آوردند که هر دو دست او قطع شده

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰
۲- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۴

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸

۴- در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد: یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال. مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد، نمازش صحیح است؛ یعنی شرایط صحت را دارد.اما برای اینکه این نماز در او اثر داشته باشد و او را از گناهان باز دارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند که به آن شرط کمال می گویند، مثل اینکه با دقت و توجه نماز بخواند. مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است.

بود. وقتی او را برای اتاق عمل آماده می‌کردند، ایشان را روی برانکارд گذاشتند تا به اتاق عمل ببرند. مسئول تعامل آمد تا از این روزمنده سؤالاتی کند. ولی چشمانش را بسته بود و جواب نمی‌داد. همگی فکر کردیم شاید شهید شده باشد. به دنبال آن بودیم که مقدمات کار را جهت آزمایش ضربان قلب و احتمالاً انتقال وی به سرخانه آماده کنیم. ناگهان دیدیم که چشمانش را باز کرد و با ممتاز خاصی گفت: برادر! بیخشید که جواب شما را ندادم؛ چون فکر می‌کردم اگر به اتاق عمل بروم شاید وقت زیادی طول بکشد؛ نمازن قضا می‌شود. آن موقع که شما سؤال کردید مشغول خواندن نماز بودم.

روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هرقدر هدف بزرگ‌تر باشد، تقوای بیشتری می‌طلبد.

روان‌شناسان، کارهایی را برای تقویت اراده و تسلط بر خود پیشنهاد می‌کنند تا افراد بتوانند به موفقیت در برنامه‌هایی مانند درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند. خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موانع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت به سوی برترین هدف‌های زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، «روزه» است.

روزه، مصدق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است. کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به‌سوی آن نزود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد؛ خوش‌رفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نزیجاند و مواطن باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال باتقواتر می‌شود. چنین فردی کم کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

روزه بر شما مقرر شده است

یا ایَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ هَمَانِغُونَه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر

شده بود

باشد که تقوا پیشه کنید.

لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ

بقره، ۱۸۳

بررسی

رسول خدا ﷺ می فرماید : «چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی شود». مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟

احکام روزه

۱- نه چیز روزه را باطل می کند که برخی از آنها عبارت اند از : خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم السلام، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

فعالیت کلاسی

تمکیل

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارت های زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش
۲	اگر روزه دار، چیزی را که لای دندانش مانده روزه اش باطل می شود.
۳	روزه دار غبار غلیظ و دود سیگار و تنباق و مانند آنها را به حلش رساند.
۴ اگر روزه دار، استفراغ عمدی نماید،

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیم است، عمداً تیم نکند، نمی تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود،

می‌تواند با تیم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضای کند و هم برای هر روز یک مدد (تقرباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید بشت سر هم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مدد) و این کار باید تا قبل از رمضان آینده انجام شود.

۵- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می‌شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظيفة شخص مسافر : کسی که سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد :

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

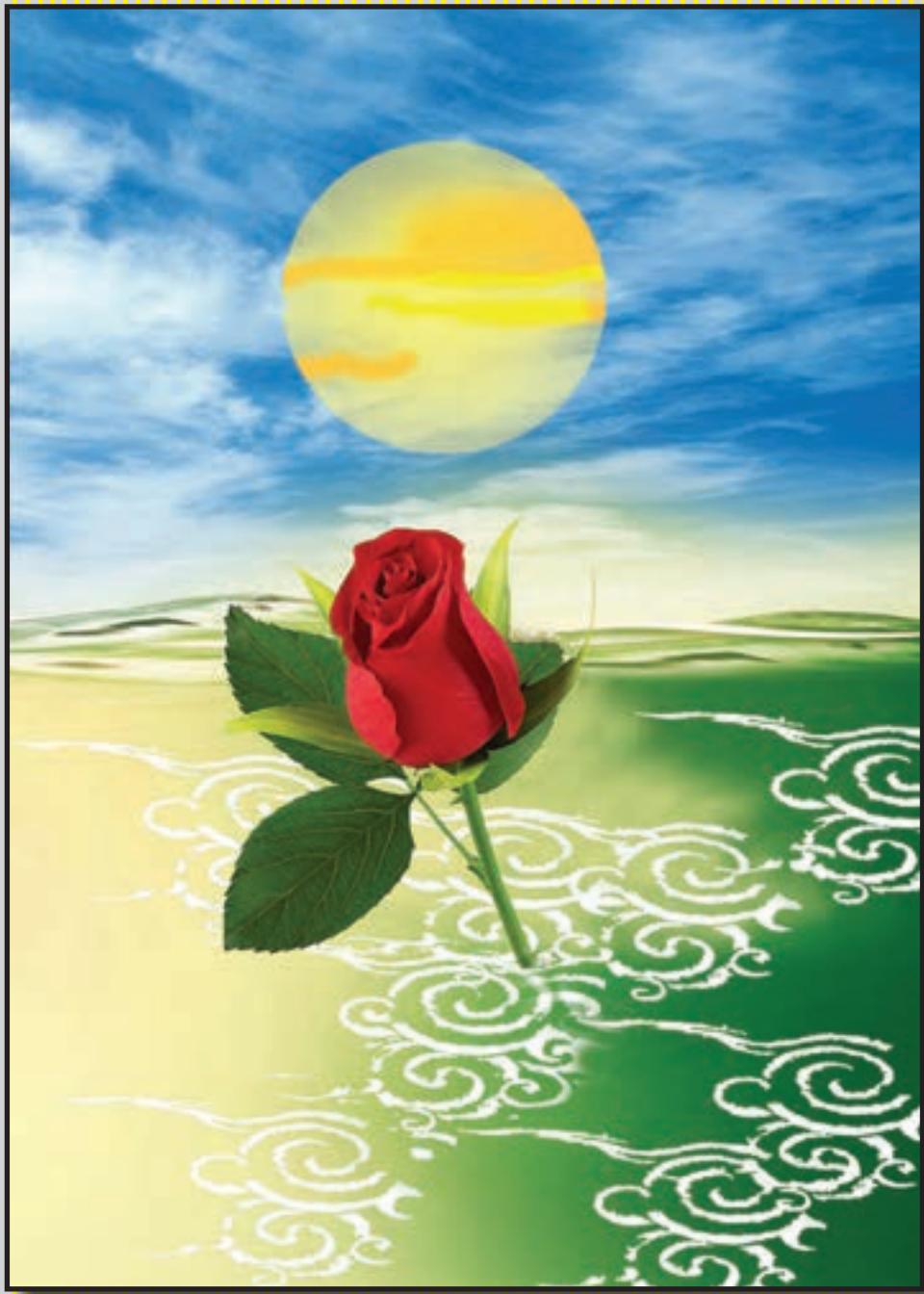
درباره مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱	اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲	اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳	اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست؟
۴	اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به پیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

پیشنهاد

درباره آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس گزارش نمایید. برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید :

- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد
- ۲- فلسفه روزه برای جوانان، اسدالله محمدی‌نیا
- ۳- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
- ۴- اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی



يَبْنَىٰ عَادَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ إِنَّدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوَا شَرِبُوا
وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٢١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الْطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هَيَ لِلَّذِينَ ءامَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْأَيْتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا
بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنْزِلْ
بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾ وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٢٤﴾
يَبْنَىٰ عَادَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ إِيمَانِي فَمَنْ
اتَّقَىٰ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٥﴾ وَ الَّذِينَ
كَذَّبُوا بِإِيمَانِنَا وَ اسْتَكَبُرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
فِيهَا خَلِيدُونَ ﴿٢٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَبَ
بِإِيمَانِهِ أُولَئِكَ يَنْهَا اللَّهُمَّ نَصِيبُهُمْ مِّنَ الْكِتَبِ حَقًّا إِذَا جَاءَهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَفَّهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالُوا ضَلَّوْا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَبَّهُمْ كَانُوا كُفَّارِينَ ﴿٢٧﴾

قالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا دَارُوكُمْ فِيهَا
 جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرِيْهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبِّنَا هَؤُلَاءِ أَضْلَلْنَا فَأَتَهُمْ
 عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلِكُلِّ ضِعْفٍ وَلِكُلِّ ضِعْفٍ وَلِكُلِّ ضِعْفٍ
 وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرِيْهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
 فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ٢٩ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا
 بِيَوْمِنَا وَاسْتَكَبُرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ
 وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمَاءِ الْخِيَاطِ وَكَذَّلِكَ
 نَجِزِي الْمُجْرِمِينَ ٤٠ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ
 غَوَاشٍ وَكَذَّلِكَ نَجِزِي الظَّالِمِينَ ٤١ وَالَّذِينَ ظَاهَرُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسِعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
 هُمْ فِيهَا خَلِيلُونَ ٤٢ وَنَزَّعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَنَا لِهَذَا
 وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَنَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
 وَنَوْدُوا أَنْ تَلْكُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رِثَمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٤٣

فضیلت آراستگی

هر گاه دنبال آرامشی فراگیرم و محتاج محیطی امن و سازنده، در طبیعت خداوند گام می‌گذارم و دل به نعمه‌های خوش‌آهنگ آن می‌سپارم تا پایانی باشد بر ناخوشایندی و خستگی‌های زندگی روزمره و امیدی برای آغازی دوباره، پر تلاش، هیجان‌انگیز و سرشار از انرژی.

در طبیعت، به هر سو نگاه می‌کنم و به هر چه می‌نگرم، زندگی و زیبایی‌هایش جلوه‌گر است؛ بوتهای سرسبز آن طراوت و شادابی را فریاد می‌زنند و گل‌های رنگارانگش عشق و زیبایی را.

کوه‌هایش استواری را به تصویر می‌کشند و رودها و چشمه‌هایش پویایی و حرکت را...
با خود می‌اندیشم آیا من هم می‌توانم؟

آیا می‌توانم در اجتماع چون برگ‌های بهاری پر طراوت، چون گل زیبا، چون کوه استوار و مانند رود پویا باشم؟

آیا می‌توانم با حضورم آرامش و امنیت را برای دیگران به ارمغان آورم؟ و سرانجام با خود می‌اندیشم چگونه حضوری در اجتماع می‌تواند این ثمرات را به دنبال آورد؟

آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری یا باطنی» است. هر انسانی به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد با وضعی مرتب در جامعه، حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و هم‌نشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت می‌برند. از این‌رو، پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کرند و آراسته به زیبایی‌های اخلاقی همچون ادب، سخاوت، حسن خلق و ... بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.^۱

به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود: **خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.**^۲

پیامبر همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق علیه السلام را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جد شما این گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید. امام علیه السلام فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توائیلی پوشیدن چنین لباسی را دارند.^۳

همچنین ایشان می‌فرمود: خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود، و خود را ژولیده نشان دادن، بدش می‌آید.^۴

و نیز می‌فرمود: دور رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.^۵

در کنار این توصیه‌ها و سفارش‌هایی که به عموم مردان و زنان مسلمان می‌شد، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر علیه السلام به مردان می‌فرمود: سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی

۱- غررالحكم و دُرالكلم، ج ۱، ص ۲۰۷

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۸

۳- کافی، ج ۶، ص ۴۴۲

۴- امالی، شیخ صدق، ج ۱، ص ۲۷۵

۵- ثواب الاعمال، ص ۲۶۲

شما می‌افزاید.^۱ پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.^۲

این شیوه رسول خدا ﷺ و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرند. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد؛ بلکه شامل زمان حضور در خانواده، و از آن مهم‌تر، زمان عبادت نیز می‌شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک بودن تمامی بدن، از توصیه‌های مهم آنان هنگام عبادت است. تکرار دائمی نماز در شب‌انه‌روز، این آراستگی و پاکی را در طول روز حفظ می‌کند و زندگی را پاک و باصفا می‌سازد.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته‌ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب می‌شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود پردازد و توانایی‌ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. جوانی که می‌کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشتہ ورزشی یا خلق اثر هنری یا کار مؤثر در کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد، از این قبیل است. به غیر از این افراد، هر کس در جامعه تلاش می‌کند در هر جایگاهی که قراردارد، برای خود مقبولیت کسب کند.

البته اندک افرادی نیز وجود دارند که به این نیاز طبیعی، پاسخ‌های درستی نمی‌دهند و با پوشیدن لباس‌های نامناسب یا به کار بردن کلام زشت و ناپسند یا با گذاشتن سیگاری بر لب، می‌خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند. این قبیل اعمال نشانه ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود از راه درست و سازنده است.

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندریوها و کندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هر یک از علائق و نیازهای درونی به گونه‌ای عمل نمی‌کند که یا به‌طور کامل غرق در آن شود و از دیگر

۱- قرب الانسان، ص ۶۷

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۳۵

نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفريط دچار شود؛ بلکه در حدمطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

عفاف، آراستگی و مقبولیت

بکی از جلوه‌های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسان‌ها در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می‌نامد و آن را کاری جاھلانه می‌شمرد.^۱ همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی پرهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

انسان عفیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرج» دچار نمی‌شود. انسان عفیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری سطحی و کوچک، زیان به تحسین و تمجید او بگشایند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌باشد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

همچنین یک انسان عفیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست آورد و خود را در حد ابزاری برای هوس‌رانی دیگران پایین آورد.

بنابراین، به همان میزان که رشته‌های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی و پوشش او باوفارتر می‌شود و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

امام علی عائیل^۲ می‌فرماید:

«بمدادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارابی که در این صورت ناچار می‌شودی با انجام گناه به جنگ خدا بروی». ^۲

۱- سوره احزاب، ۳۳

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۶۳

و امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

لباس نازک و بدن‌نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دین است.^۱

گرچه عفاف، خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظہر جمال خلقت است و این زیبایی، هم مربوط به باطن و هم مربوط به ظاهر است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است و همین نعمت پشتوانه مهمی برای ازدواج زن و مرد و تحکیم خانواده است.

از سوی دیگر، زن کانون عفاف خانواده است و همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می‌خواند. گویا روح بزرگ او نمی‌پسندد که بازیچه خواسته‌های پست و حقیر ناپاکان شود. از این رو می‌کوشد آراستگی او در جامعه به گونه‌ای باشد که گوهر زیبایی وجودش از نگاه نااھلان دور بماند و روح بلندش تحریر نشود. او درمی‌یابد که دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد؛ همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زیبینده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوس‌رانان قرار گیرد. همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبیش می‌شود، عرضه نابهجهای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد و این دو گوهر مقدس را از او می‌گیرد.

* بررسی

با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدامیک از آنها عفت و عزت افراد را بیشتر تضمین می‌کند؟

-
.....
.....
.....

۱- بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۹۹

- ۱- چه تفاوتی میان آراستگی و خودنمایی ظاهری است؟
- ۲- چگونه با خودنمایی عفت آدمی لکه‌دار می‌شود؟

پیشنهاد

۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلاقیت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه درباره عوامل این موفقیت می‌دانید، بیان کنید.

۲- با خود پسندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف داشته باشید. آیا موانع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آنها را برای خود مشخص کنید و برای برداشتن آن موانع، راه حل مناسب تنظیم نمایید.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُو خُطُوطَ الشَّيْطَنِ وَمَنْ يَتَّبِعُ
 خُطُوطَ الشَّيْطَنِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَرَ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكَنَّ اللَّهَ
 يُرَزِّكُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلَيْهِ ۝ وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الفَضْلِ
 مِنْكُمْ وَالسَّعَةُ أَنْ يُوتَوْا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسْكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَيَعْفُوا وَلَيَصْفَحُوا لَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ
 وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسَنَاتِ الْغَافِلُونَ
 الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ
 تَشَهَّدُ عَلَيْهِمْ السِّنَّتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيْهِمُ اللَّهُ دِيْنَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ
 هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ۝ الْخَيْثَاتُ لِلْخَيْثَيْنَ وَالْخَيْثُونَ
 لِلْخَيْثَاتِ وَالْطَّيْبَتُ لِلطَّيْبَيْنَ وَالْطَّيْبُونَ لِلطَّيْبَتِ أُولَئِكَ
 مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا
 وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝

فَإِنْ لَمْ تَجْدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتّىٰ يُؤَذَنَ لَكُمْ
 وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعوا فَارْجِعوا هُوَ أَزْكٰ لَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا
 تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيوتًا
 غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبَدِّوْنَ وَمَا
 تَكُتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِيْتِ يَغْضِبُوْنَا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
 وَيَحْفَظُوْ فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكٰ لَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا
 يَصْنَعُوْنَ ﴿٣٠﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِيْتِ يَغْضِبُوْنَا مِنْ أَبْصَارِهِنَّ
 وَيَحْفَظُنَّ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَاهَرَ مِنْهَا
 وَلِيَضْرِبِنَّ بِحُمْرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا
 لِبَعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِبَاءِهِنَّ أَوْ إِبَاءِ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ
 بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِيِّ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِيِّ أَخْوَتِهِنَّ
 أَوْ نِسَاءِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِيْتِ غَيْرُ أُولَٰئِي
 الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِيْتَ لَمْ يَظْهَرُوْ عَلٰى عَوْرَاتِ
 النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبِنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ
 وَتَوَبُوا إِلٰى اللّٰهِ جَمِيعًا إِيْهَا الْمُؤْمِنُوْنَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٣١﴾

زیبایی پوشیدگی

دنیای ما انسان‌ها، دنیای عجیبی است.

با «کلامی» شوق حرکت در وجودمان جوانه می‌زند و با «لبخندی» روح امید از دست رفته به زندگی ما، دمیده می‌شود.

گاه با «سکوتی» معنای زندگی‌مان تغییر می‌یابد و با «فریادی» روش آن. «کلام»، «لبخند»، «سکوت» و «فریاد»، جلوه‌هایی آشکار از رفتارهای انسانی است که بر مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن، اثرگذار است.

اما همیشه این گونه نیست؛ چه بسا بدون گفتار یا رفتاری، مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن را تحت تأثیر قرار دهیم. آرامش و روان کسانی را برهم زنیم، قلوب پاکی را متزلزل کنیم، به تعهد و عشق همسرانی خدشہ وارد کنیم و کانون گرم خانواده‌هایی را متأثر سازیم و این همه در حالی باشد که از وقوع این امور بی‌خبر باشیم.

شاید بپرسید : واقعاً چنین چیزی ممکن است؟ این چه کاری است که این عواقب را به دنبال دارد؟

آیا در قرآن کریم درباره عفاف و حجاب، دستور خاصی وجود دارد؟
خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارت‌اند از:

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د) زنان باید حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گربیان و گردان آنها را هم پوشاند.^۱

علاوه بر قرآن کریم، پیشوايان ما، حدود حجاب را مشخص کرده‌اند و ما را به رعایت عفاف دعوت کرده‌اند.

مثالاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جائز است؟»

فرمود: «چهره و دست تا مچ».^۲

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار می‌گوید از ایشان پرسیدم: آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود: «بلی، آنچه زیر روسربی قرار می‌گیرد، باید آشکار شود. همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود».^۳

همچنین از قرآن کریم به دست می‌آوریم که: این گونه پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
قُلْ لَا زَواجٌ كَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ بِهِ زَنَانُ وَ دَخْرَانَتُ وَ بِهِ زَنَانُ مُؤْمِنُ بَغْوَى
پوشش‌های خود را به خود تزدیک‌تر کنند يُذْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْهِنَّ

۱- سوره نور، ۳۰ و ۲۱ ۲- قرب الاستناد، ص ۱۰۲ ۳- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵

ذلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ
فَلَا يُؤْدَيْنَ

این برای آنکه به [عفاف] شناخته شوند
و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.

احزاب، ۵۹

آیا اسلام نحوه و شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند. بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی پوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند :

- ۱- تمام بدن خود را، بهجز صورت و دست‌ها تا میچ، از نامحرم بپوشانند.
- ۲- پوشش آنان باید چسبان و تحریک کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا بالارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این‌رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟

او لاً خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه‌وى با نامحرمان قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص می‌کند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند و از نگاه نااھلانی که در جامعه حضور دارند، ایمن باشند. تجربه کشور ما به خوبی نشان می‌دهد که قانون حجاب نه تنها سبب کاهش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و اجتماعی نشده بلکه حضور آنان چند برابر هم شده است.

دوم آنکه ادعای خانه نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم ﷺ را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ عفت دختران حضرت شعیب ﷺ را در حال چوپانی و آب‌دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز خبر از حضور حضرت فاطمه ﷺ و سایر زنان مسلمان در جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروهان می‌دهد.

پس قانون حجاب، قانونی برای سلب آزادی زنان در جامعه نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن رادر ظاهر و قیافه وی خلاصه کند، به شخصیت، استعدادها و کرامت ذاتی وی توجه کند. این امر موجب می‌شود سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند و آن را لازمه دینداری شمرده‌اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و به حجاب پاییند بودند.^۱ در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح ﷺ می‌کوشند مانند حضرت مریم ﷺ موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر حضرت مریم ﷺ را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر، زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دینداری تزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

توجه داشته باشیم که در زمان ظهور حضرت مسیح ﷺ در فلسطین، اروپا در شرک و بت‌پرستی به سر می‌برد. مردم گرفتار آداب و رسوم مشرکانه بودند و زنان آنها معمولاً موی خود را نمی‌پوشانند. اما با آمدن مسیحیت به اروپا و گسترش تعالیم دین مسیح ﷺ پوشیدن موی سر نیز در میان زنان گسترش یافت.

در دوران اخیر پاییندی به تعالیم دینی کمتر شد و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی ﷺ و حضرت عیسی ﷺ هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته و به آنها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجایی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی به

۱- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۳۰

سنّت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح علیه السلام محسوب می‌شود.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان بر جسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب در جهان دانست.^۱ در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

چه لذتی دارد ...

چه لذتی دارد وقتی در خیابان و کوچه راه می‌روی و صدقافله دل آلوده همراه تو نیست.
چه لذتی دارد وقتی در نابودی تعهد و عشق بین همسران سهیم نباشی و گرمای خانه‌ها را سرد نکنی.

چه لذتی دارد وقتی از سرپاکی و غیرت و مردانگی، بانوان و دختران سرزینیت را ناموس خود بدانی و سرمایه پاکی و نجابت‌شان را قربانی هوس‌های خود نکنی.
چه لذتی دارد که مردانگی را، نه فقط در پرورش اندام و قوت بازو، بلکه در توان خویشن‌داری در مقابل وسوسه‌های شیطانی معنا کنی.

چه لذتی دارد که بدانی دنیا راهی است به‌سوی خدا و در این راه نباید با نگاهت، با حرفت و با نوع پوششت، سنگ راهی باشی و دلی را از حرکت در این مسیر بازداری.
چه لذتی دارد که فقط زندگی کوتاه دنیا را نبینی و نگاهی هم به زندگی بی‌بایان آخرت داشته باشی.

چه لذتی دارد وقتی در آلوده شدن چشم و قلب دیگران نقش نداشته باشی و بخشی از گناهان آنان را پای نامه اعمال خود نتویسی.

چه لذتی دارد وقتی هدف خلقت خویش را فراموش نکنی و عمر گران‌بهای خود را پای میز آرایش و دوختن و پوشیدن و نمایش دادن و به چشم‌ها نشستن، به پایان نرسانی.

چه لذتی دارد وقتی رضایت خدا را به رضایت انسان‌های هوس‌ران ترجیح می‌دهی.

چه لذتی دارد وقتی طعمه قلاب شیطان برای دام انداختن دیگران نیستی.

چه لذتی دارد عفیف بودن!

۱- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸

- ۱- برای حضور سالم و عزتمند در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟
- ۲- با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح ﷺ یک امر پسندیده است، برخی جوامع مسیحی نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

پیشنهاد

وضع جامعه اطراف خود را بررسی کنید و بینید :

- ۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟
- ۲- حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟
- ۳- با دوستان خود مشورت کنید و بینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن در هر یک از موارد زیر چه ثمراتی دارد.

۱- برای زن :

.....
.....
.....

۲- برای مرد :

.....
.....
.....

۳- برای خانواده :

.....
.....
.....

۴- برای جامعه :

.....
.....
.....

کتاب‌شناسی

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱	قرآن کریم	ترجمه و تفسیر محسن قراتی	مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن	عفاف/حضرت زینب	تمام درس‌ها ۱۴ و ۱۳	دانشآموز / معلم
۲	آفتتاب در حجاب	سیدمهدي شجاعي	کانون پرورش فكرى کودکان و نوجوانان			دانشآموز
۳	آفريش جهان	ژرژ گاموف		خدائناسى	۱	دانشآموز / معلم
۴	آينده‌های ناگهان	قيصر امين بور	نشر افق	شعر	۱۱	دانشآموز
۵	احکام روابط زن و مرد و سائل اجتماعی	سيدهمسعود معصومي	بوستان كتاب	حجاب و عفاف	۱۴	دانشآموز / معلم
۶	الفبای زندگی	جواد محدثی	بوستان كتاب	برنامه زندگی	۹	دانشآموز
۷	المرaciبات	ميرزا جواد آقا ملکي تبريزی		رسالت قلم	۹	معلم
۸	انس با قرآن کریم	مسعود وكيل	انتشارات مدرسه	آموزش قرآن	تمامی درس‌ها ۱۴ و ۱۳	دانشآموز
۹	اولین دانشگاه و آخرين پيامبر	سيدرضا پاك تزاد	كتابفروشی اسلاميه	برنامه زندگی	دانشآموز / معلم	دانشآموز
۱۰	اين گونه باشيم	جواد محدثی	بوستان كتاب	برنامه زندگی	۹	دانشآموز / معلم
۱۱	بازنگشت به هستي	محمد شجاعي	کانون انديشه جوان	معداد	۸ تا ۴	دانشآموز
۱۲	براي ريحانه	محمود اکبری	انتشارات گلستان ادب	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانشآموز
۱۳	به سوي او	استاد محمد تقى مصباح يزدي	انسان شناسى	انسان شناسى	۲ و ۱	دانشآموز / معلم
۱۴	به سوي خودسازی	استاد محمد تقى مصباح يزدي		انسان شناسى	۲ و ۱	دانشآموز / معلم
۱۵	تجسم عمل و شفاعت	محمد شجاعي	کانون انديشه جوان	معداد	۸ تا ۴	دانشآموز / معلم
۱۶	تصميم‌های بزرگ اخلاقی	محمد باقر پورامياني	کانون انديشه جوان	برنامه زندگی	۹	دانشآموز
۱۷	پريش‌های امروز جوانان	انتشارات مدرسه	حجاب و عفاف		۱۴ و ۱۳	دانشآموز
۱۸	جادزه و دافعه حضرت على (ع)	استاد شهيد مطهرى	حب و بغض در راه	حباب	۱۱	دانشآموز / معلم
۱۹	آسيب‌شناسي شخصيت زن	محمد رضا كوهى	انتشارات يارسانيان	حباب	۱۴ و ۱۳	دانشآموز
۲۰	آداب الصلوة	امام خميني	مؤسسه تنظيم و نشر آثار	نماز	۱۲	دانشآموز
۲۱	جوان در چشم و دل پيامبر	محمد باقر پورامياني	کانون انديشه جوان	انسان شناسى	۹ و ۲	دانشآموز
۲۲	جوان در کلام نور	مرتضى روحانى	مؤسسه آموزشی و	انسان شناسى	۲	
			پژوهشی امام خمينی (ره)			
۲۳	جوان و آرامش	محمد سیحانی نیا	بوستان كتاب	انسان شناسى	۹	دانشآموز
۲۴	حجاب	مهندی مهرizi	کانون انديشه جوان	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانشآموز
۲۵	حقوق زن	حميد كريمي	کانون انديشه جوان	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانشآموز
۲۶	خدا بود و ديگر هیچ نبود	شهيد دکتر مصطفی چمران	خدائناسى		۱	دانشآموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۲۷	دانستنی‌هایی از قرآن	مصطفی اسراز	نشر قو	خدائیانی	تمام درس‌ها	دانشآموز / معلم
۲۸	در جستجوی خدا	جان‌هاتون/بنول نجفی	انتشارات آستان قدس	الگوی زندگی	۱	دانشآموز / معلم
۲۹	در کمین گل سرخ (زندگی شهید صیاد شیرازی)	محسن مؤمنی	سوره مهر		۴	دانشآموز
۳۰	دینایی که می‌بینم	آلرت ایشتن		خدائیانی	۱	دانشآموز / معلم
۳۱	راز آفریش انسان	کرسی مورسین		خدائیانی	۱	دانشآموز / معلم
۳۲	راز نماز	استاد فرائستی	مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن	نماز	۱۲	دانشآموز
۳۳	رقصی چنین میانه میدانم آرزوست	شهید دکتر مصطفی چمران	بنیاد شهید چمران	الگوی زندگی	۴	دانشآموز
۳۴	زنان صدر اسلام	سید محمد بحرالعلوم / محمدعلی امینی	انتشارات حکمت	عفاف و حجاب	۱۴ و ۱۳	دانشآموز / معلم
۳۵	زندگی بر روی زمین	دونالد ام. سیلور	انتشارات مدرسه	خدائیانی	۱	دانشآموز / معلم
۳۶	سلام بر خورشید (زندگی پیامبر اسلام)	سیدعلی اکبر حسینی	انتشارات اطلاعات	الگوی زندگی	۹	دانشآموز
۳۷	سبب و عطش	دکتر محمد رضا سنگری	خورشید باران	الگوی زندگی	۹	دانشآموز
۳۸	سیره نبوی	مصطفی دلشاد تهرانی	انتشارات وزارت ارشاد	الگوی زندگی	۹	دانشآموز / معلم
۳۹	سیمای روزانه فرد مسلمان	محراب صادق‌نیا	مرکز پژوهش‌های برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی	۹	دانشآموز
۴۰	شجره طوی (سیره حضرت فاطمه)	محمد سعید بهمن بور	اسلامی صدا و سیما	الگوی زندگی	۹	دانشآموز
۴۱	عروج روح	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	معد	۸ تا ۴	دانشآموز / معلم
۴۲	فرهنگ بر亨گی و بر亨گی فرنگی	غلامعلی حداد عادل	کانون اندیشه جوان	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانشآموز / معلم
۴۳	فلسفه خلقت انسان	دکتر عبدالله نصری	کانون اندیشه جوان	انسان‌شناسی	۱	دانشآموز / معلم
۴۴	قیام قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	معد	۸ تا ۴	دانشآموز
۴۵	گامی در مسیر	جواد محدثی	بوستان کتاب	برنامه‌ریزی	۹	دانشآموز
۴۶	مجموعه آثار (جلد ۲۱- زن)	دکتر علی شریعتی	بوستان کتاب	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانشآموز / معلم
۴۷	آفتاب اندیشه (پرسش‌ها و پاسخ‌های مذهبی ج ۱ و ۳)	حسین سوزنچی	انتشارات	خدائیانی و معاد	۸ تا ۴	دانشآموز / معلم
۴۸	مجموعه جهود های درخشان	جمعی از نویسندهان	مدرسه انتشارات	الگوی زندگی	۹	دانشآموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۴۹	مجموعه قصه فرماندهان	جمعی از نویسندان	حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی	الگوی زندگی	۹ و ۴	دانش آموز
۵۰	محمد(ص) پیامبری برای همیشه	حسن رحیم پور از غدی	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	الگوی زندگی	۹	دانش آموز / معلم
۵۱	مدیریت زمان	محمد جواد حاج علی اکبری	اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان	برنامه ریزی	۹	دانش آموز
۵۲	مسئله حجاب	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۵۳	معاد یا بازگشت به سوی خدا (۲ جلد)	محمد شجاعی	شرکت سهامی انتشار	معد	۸ تا ۴	دانش آموز / معلم
۵۴	مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (انسان در قرآن)	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	انسان شناسی	۲	دانش آموز / معلم
۵۵	مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (زنگی جاودی یا حیات اخروی)	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	معد	۸ تا ۴	دانش آموز / معلم
۵۶	موافق حسر	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	معد	۸ تا ۴	دانش آموز / معلم
۵۷	نامه های بلوغ	علی صفائی حائری	انتشارات لیلے القدر	برنامه ریزی	۹	دانش آموز
۵۸	نشانه های او	سید رضا صدر	بوستان کتاب	خدا شناسی	۱	دانش آموز / معلم
۵۹	نظام حقوق زن در اسلام	استاد شهید مطهری	انتشارات صدرا	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۶۰	نظام شخصیت زن در اسلام	زیبایی تزاد و سجانی	نماج	حجاب و عفاف	۱۴ و ۱۳	دانش آموز / معلم
۶۱	نظم و اضیباط	مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما	مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما	برنامه ریزی	۹	دانش آموز / معلم
۶۲	نهج البلاغه	ترجمه علی شیروانی	انتشارات دارالعلم	الگوی زندگی	تمام درس ها	دانش آموز / معلم
۶۳	نهج البلاغه و شناخت	دکتر سید محمد مهدی قلم	مؤسسه فرهنگی اهل	الگوی زندگی	تمام درس ها	دانش آموز / معلم
۶۴	نهضت امام خمینی	سید حمید روحانی	انتشارات چوگان	الگوی زندگی	۹	دانش آموز / معلم
۶۵	وازه نامه قرآن	مصطفی اسرار	قرآن شناسی	تمام درس ها	دانش آموز / معلم	



معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.
دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

